

سخنی درباره سینمای آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان

● محمدرضا گلپهار

امر معلول عوامل مختلفی است، از جمله: فقدان سیستم حمایتگر و هماهنگ کننده سینمای کودک و نوجوان، تعداد قلیل فیلمسازان که در این زمینه ذوق و استعدادی دارند، و بالاخره عدم پشتیبانی دولت از این گونه فیلمها که معمولاً نجارتی نبوده، هزینه ساخت خود را باز نمی‌گردانند.

قدمت سینمای کودکان و نوجوانان در ایران اندکی بیش از دو دهه است و در این مدت، جز تولید تعداد انگشت شماری آثار ارزشمند، گام مؤثری برداشته نشده است. مراجعه‌ای به آمار موجود در خصوص تولید فیلم کودک و نوجوان نشانگر آن است که حدود ۲۰۰ فیلم کوتاه و بلند، همه بضاعت ما را در این زمینه تشکیل می‌دهد. از این تعداد تنها ۴۱ فیلم بلند (بالای ۶۰ دقیقه) وجود دارد، یعنی ۲/۷٪ کل تولیدات بلند سینمایی که حدود ۱۵۰۰ فیلم می‌باشد. درباره این ۴۱ فیلم بلند هم سخن بسیار است؛ اجمالاً، جز در موارد انگشت شمار، مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان در این فیلمها

بیش از یک قرن از آغاز مطالعات وسیع در زمینه روانشناسی و روانکاوی کودکان و نوجوانان می‌گذرد. در این مدت، نظریه‌ها و فرضیات مختلفی در این زمینه ارائه شده، مشاهدات تجربی ثبت و تدوین گردیده و کتابهای بسیاری نگارش یافته است. با این همه، کودکان و نوجوانان هنوز به شأن و جایگاه واقعی و شایسته خود در جوامع امروز دست نیافته‌اند و مسئله بزهکاری کودک و نوجوان و مشکلات و نارسایی‌های تربیتی و اجتماعی دیگر، همچنان ذهن و اوقات دست‌اندرکاران و محققین را به خود مشغول می‌دارد.

شکی نیست که حل مسائل و مشکلات مذکور، و نیز پاسخگویی به نیازها و گرایش‌های روحی و عاطفی کودکان و نوجوانان مستلزم شناخت این نیازها و گرایشها، و بلکه متضمن تحول اساسی در فرهنگ و نحوه نگرش جامعه نسبت به این قشر می‌باشد. اینجاست که نقش وسایل ارتباط جمعی، بویژه سینما، و بالاخص سینمای کودک و نوجوان، حائز اهمیت حیاتی است.

چگونگی پیدایش سینمای کودک و نوجوان به درستی معلوم نیست. اما به طور قطع ضرورت استفاده از یک ابزار کمک آموزشی مؤثر در خدمت نظام آموزشی کودکان و نوجوانان در این امر بی‌تأثیر نبوده است. فیلمهای آموزشی علاوه بر تدریس ریاضیات و علوم و سایر درسها، به آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری برای کودکان و نوجوانان و نیز شیوه برخورد با بزرگترها می‌پردازند. بتدریج با توسعه زمینه‌ها و امکانات فیلمسازی، نوع و محتوای آموزشهای موجود در این فیلمها هم تنوع قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. در برخی کشورها، فیلمهای آموزشی کودکان به طرح مسائل اخلاقی و فضایل انسانی چون شکیبایی، مهربانی و خوشرویی، پرهیز از خشونت، علاقه به کار، تعاون و غیره می‌پرداخت، در حالی که در بعضی دیگر، معتقدات ایدئولوژیک نظام نیز از این طریق به کودکان و نوجوانان تعلیم داده می‌شد.

و اما در ایران سینمای کودک و نوجوان آن طور که در ممالک دیگر دنیا رشد و پیشرفت داشته، چندان مورد توجه و استقبال قرار نگرفته است. این

● کودکان

میان صحنه‌های فیلم

و واقعیت،

چندان فاصله‌ای نمی‌بینند؛

آنها خود به تصاویر

واقعیت می‌بخشند و آنچه را که

می‌بینند، باور می‌کنند.

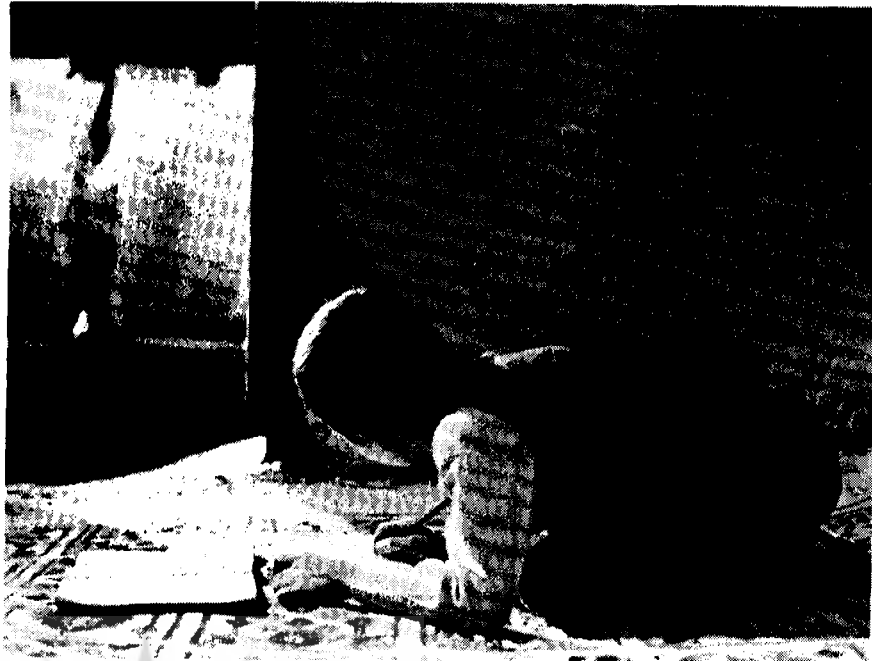


دندان» ساخته آقای عباس کیارستمی از جمله این گونه آثار برای کودکان و نوجوانان محسوب می‌شوند.

۲. آموزش فیلمسازی: هر چند از لحاظ آموزشی بودن، این فیلمها را می‌توان جزء گروه اول دانست، اما تفاوتی این دو دسته را از هم متمایز می‌کند. در این فیلمها آموزش فیلمسازی به کمک مرتبی انجام می‌شود، اما مرتبی تنها نقش هماهنگ کننده را داراست و کارها توسط خود کودکان و نوجوانان انجام می‌پذیرد؛ کارهایی چون نورپردازی، فیلمبرداری، گریم، دکور، بازیگری، کارگردانی، نگارش طرح و فیلمنامه و غیره. در اینجا هدف از فیلمسازی صرفاً آموزش فن سینما نیست، بلکه اهداف عالی تری به طور غیرمستقیم حاصل می‌شوند؛ از جمله رشد شخصیتی کودک و نوجوان و شکوفایی قدرت ابداع و ابتکار او. بعلاوه، استعدادهای فیلمسازی از این طریق کشف می‌شوند و می‌توان برای رشد و پرورش آنها سرمایه گذاری نمود. نمونه‌هایی از این نوع فیلمسازی در بخش سینمای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وجود دارد. متصدیان کانون کارگاههایی برای آموزش فیلمسازی سوپر هشت ایجاد کردند و این کارگاهها کودکان و نوجوانان مشتاق را جذب کرده، پس از چندی به صورت مرکزی برای سینمای آمانور درآمدند.

۳. فیلم درباره کودکان و نوجوانان: مخاطب این گونه فیلمها بزرگترها هستند و هدف از آن، آشنا ساختن آنها با مشکلات و مسائل کودکان و نوجوانان می‌باشد. این فیلمها اغلب به شیوه رفتار والدین و آموزگاران در منزل یا مراکز آموزشی می‌پردازند. در مواردی هم بزهکاری یا ناهنجاری روانی کودکان و نوجوانان طرح می‌شود. در این فیلمها معمولاً کودکان و نوجوانان ایفاگر نقشهای اصلی هستند و به این جهت خود آنها نیز به تماشای این گونه آثار رغبت نشان می‌دهند. اما مخاطبین اصلی این قبیل فیلمها والدین، مربیان تربیتی و آموزشی و سایر دست اندرکاران امور مرتبط با کودکان و نوجوانان می‌باشند. نمونه‌ای از این گونه آثار، فیلم «اولیها» ساخته آقای عباس کیارستمی است که از جهتی «برای کودکان و نوجوانان» و از جهت دیگر «درباره آنان» است. فیلمهای این گروه طبیعتاً از مضامین و تکنیکهای پیشرفته‌تر و پیچیده‌تری نسبت به دو گروه ذکر شده برخوردار هستند.

۴. فیلم به بهانه کودکان و نوجوانان: فیلمسازان این گروه اهدافی را جستجو می‌کنند که اغلب برای کودکان و نوجوانان قابل فهم و مفید نیست. فی‌المثل در فیلم «بیک اتفاق ساده» کار «سهراب شهید ثالث» (۱۳۵۲) و با «جاده‌های سرد» اثر «جمفری جوزانی» (۱۳۶۴)، هر چند داستان فیلم



ممکن است در طبقه بندی حاضر وجود داشته باشد، فیلمهای زنده را به چهار نوع مهم تقسیم نموده، هر یک را به طور خلاصه بررسی می‌کنیم:

۱. فیلم برای کودکان و نوجوانان
 ۲. آموزش فیلمسازی به کودکان و نوجوانان
 ۳. فیلم درباره کودکان و نوجوانان
 ۴. فیلم به بهانه کودکان و نوجوانان
۱. فیلم برای کودکان و نوجوانان: فیلمهایی هستند که برای آموزش کودکان و نوجوانان ساخته می‌شوند و اموری چون شیوه غذا خوردن، نحوه لباس پوشیدن، بازیهای دسته جمعی، قوانین مدنی و زندگی شهری، مسائل بهداشتی و هنری و غیره را به آنها می‌آموزند. مخاطب این قبیل فیلمها کودکان و نوجوانان هستند و از این رو، تکنیکهای ساده‌ای در آنها استفاده می‌شود. بازیگران این نوع فیلمها می‌توانند بزرگسال یا کودک و نوجوان باشند. پیام و شیوه آموزشی این فیلمها به فرهنگ و آداب و رسوم جامعه بستگی دارد. دو فیلم «رنگها» و «بهداشت

تحت الشعاع مسائل دیگر قرار گرفته و در تعدادی از آنها کودکان صرفاً حکم «نمک» فیلم را داشته‌اند.^۱ این نکته نیز گفتنی است که مسیر سینمای کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی تغییر کرده، شیوه‌های بهتر و قابل قبول تری در این زمینه عرضه شده است که حاصل این تغییر و تحول را بر پرده سینماهای کشور شاهد بوده و خواهیم بود.

سینمای کودک و نوجوان در یک تقسیم بندی کلی انواع زیر را دربر می‌گیرد:

۱. فیلمهای «انیمیشن» یا نقاشی متحرک
 ۲. فیلمهای عروسکی
 ۳. فیلمهای زنده (مستند و داستانی)
- در اینجا تنها فیلمهای زنده مورد نظر ماست و بحث و بررسی پیرامون فیلمهای انیمیشن و عروسکی را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم. در زمینه فیلمهای زنده مرتبط با کودکان و نوجوانان تا کنون تقسیم بندی کامل و بی نقصی صورت نگرفته است. با این همه، علیرغم نقائصی که



حول و حوش یک کودک یا نوجوان شکل می‌گیرد، اما اصلاً حرف و پیام آنها چیز دیگری است. فیلم «سازدهنی» ساخته «امیر نادری» (۱۳۵۲) نیز، علیرغم سوژه خاص و بازیگران خردسال آن، روی سخنش با بزرگترهاست و شاید بشود گفت که فیلمساز برای گریز از محدودیتها و عوامل بازدارنده رژیم گذشته، چنان سوژه و بازیگرانی را برگزیده است. همین کارگردان در فیلم دیگرش، «دونده»، گو اینکه تصاویر زیبا و جذابی ارائه می‌کند، اما اثرش برای کودک، به عنوان مخاطب، جز آشفته‌گی ذهنی و سردرگمی نتیجه‌ای ندارد.

● سینمای آموزشی — تربیتی کودکان و نوجوانان

تقسیم‌بندی چهارگانه فوق عملاً آنچه از سینما را که سهم کودک و نوجوان هست یا می‌تواند باشد دربر می‌گیرد. در این میان، آموزش فیلمسازی بیشتر در حد یک تجربه‌اندوژی است و نمی‌تواند یکی از ارکان سینمای کودک کان و نوجوانان شمرده شود. فیلمهایی که به بهانه کودک و نوجوان ساخته می‌شوند نیز عموماً مختص بزرگسالان بوده، چندان پیام و محتوایی برای کودکان و نوجوانان ندارند. تنها فیلمهایی که برای کودکان و نوجوانان و درباره آنها ساخته می‌شوند، در واقع به آنان تعلق دارند. این گونه فیلمها دارای رسالت دو گانه‌ای هستند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم، با زندگی و آینده کودک و نوجوان سروکار دارند. بنابراین، فیلمهای «برای» کودک و نوجوان و «درباره» آنها را می‌توان ذیل عنوانی کلیتر، یعنی «سینمای آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان»، گنجانند. فیلمهایی نظیر «مسافر»، «اولیها» و «خانه دوست کجاست» (عباس کیارستمی)، «بی‌بی چلچله» و «زنگ اول - زنگ دوم» (کیومرث پوراحمد) و «کلید» (ابراهیم فروزش) نمونه‌هایی از فیلمهای آموزشی و تربیتی در ایران محسوب می‌شوند. مشکل اصلی اغلب فیلمسازانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند عدم آشنایی کافی با تمایلات و خواسته‌های عاطفی و اجتماعی و نیز روانشناسی کودک و نوجوان می‌باشد.

فیلمهای آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان از نظر شیوه آموزش و موضع مربی در آنها به انواع مختلفی قابل تقسیم هستند:

نخست فیلمهایی که مستقیماً از موضع مربی و آموزگار سخن می‌گویند. دوم فیلمهایی که ابعاد آموزشی و تربیتی آنها مستقیماً از طریق خود کودک یا نوجوان طرح می‌شود و برای مربی و آموزگار و والدین، نقشی در فیلم پیش‌بینی نشده است. سوم فیلمهایی که موضع مربی یا والدین را طرح کرده، اما آن را

● ابعاد فرهنگی و آموزشی فیلمهای کودکان و نوجوانان نباید تحت الشعاع جنبه‌های تجاری قرار گیرد.

فیلم «خانه دوست کجاست؟» مضمونی آموزشی و تربیتی و موضوعی ساده و در عین حال گیرا دارد. احمد نمونه یک کودک سالم و تندرست روستایی است که قدم به دومین سال مدرسه گذارده است. او در تلاش برای پس دادن دفترچه دوستش، در واقع می‌کوشد برخی از ارزشهای مورد تأیید خود را به انبیا برساند؛ ارزشهایی که مقتضای سن و سال اوست. دوستی، محبت و احساس مسئولیت از جمله خصایصی هستند که کودک در این مرحله از رشد، به درک و تجربه آنها می‌پردازد و فیلم به همین مضمون پرداخته است.

بخشهایی از فیلم تقابل نسلهای مختلف را نشان می‌دهد: نسل پدر بزرگ، نسل معلم و والدین احمد، نسل احمد و همکلاسیهای او، احمد دائماً برای سازگاری با محیط خود تلاش می‌کند، محیطی که در آن مادر احمد، پدر بزرگ، معلم، پیرمرد نجار و دیگران، هر یک عهده‌دار نقشی است. اما او هر بار از برقراری ارتباط عاجز می‌ماند. از فیلم این گونه استنباط می‌شود که هیچ‌یک از این افراد درصد نیست واقعیت وجود کودک را بشناسد و طبق آن با وی رفتار کند. همه، به فراخور نسبتی که با کودک دارند، انتظارات گوناگون خود را مطرح می‌کنند، بدون آن که توجه داشته باشند کودک چه می‌خواهد، چه انتظاراتی از او می‌توان داشت و در مقابل، چه مسئولیتهایی در قبال او باید برعهده گرفت. تنها برخورد مثبت با احمد از سوی پیرمرد نجار صورت می‌گیرد و فیلم با تأکید بر آن، بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که تنها کسانی می‌توانند راهی به درون روح و روان کودک بگشایند که علایق او را بشناسند و به اقتضای آن با وی رفتار کنند. پیرمرد نجار قدمی در راه دوستی با احمد و درک او برمی‌دارد و احمد نیز با رضای خاطر با او همراه می‌شود و گامهایش را با او هماهنگ می‌کند.

«خانه دوست کجاست؟» به لحاظ مسائل آموزشی و تربیتی هم برای کودکان و هم برای بزرگسالان حائز اهمیت است. پرداخت بسیار خوب سوژه فیلم، حسن مسئولیت در قبال دوست را براحتی به کودکان آموزش می‌دهد و پایان خوش آن نیز بر تلاش شخصیت اصلی فیلم در این مسیر صحنه می‌گذارد. هماهنگی خواسته‌های احمد با شرایط و مقتضیات سنی وی، از دیگر موارد توفیق در پرداخت این فیلم محسوب می‌شود. فیلم با طرح نکاتی در زمینه روانشناسی کودک، بزرگسالان را به ارزیابی مجدد دیدگاههای تربیتی خود و تأمل بر شیوه‌های برخورد با کودکان فرامی‌خواند.

صحنه پایانی در حقیقت نقطه اوج فیلم است. معلم به بازدید تکالیف دانش‌آموزان می‌پردازد و پس از بررسی تکالیف محمدرضا، به او آفرین می‌گوید و

تأیید نمی‌کنند و احیاناً موضع کودک یا نوجوان را به عنوان شیوه رفتاری صحیح معرفی می‌نمایند. این گونه فیلمها اغلب به منظور انتقاد از روشهای نادرست آموزشی و تربیتی در مدارس، و نیز نقد نظرات و برخوردهای ناصحیح والدین در ارتباط با کودکان و نوجوانان ساخته می‌شوند.

برای آشنایی بیشتر با سینمای آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان، به بررسی یک فیلم در این زمینه می‌پردازیم: فیلم «خانه دوست کجاست؟» اثر آقای عباس کیارستمی.

● خلاصه فیلم

«احمد»، دانش‌آموز کلاس دوم ابتدایی، دفترچه همکلاسی خود «محمدرضا» را اشتهاً همراه خود به خانه می‌برد، در حالی که معلم تأکید کرده است دانش‌آموزان بایستی تکالیف خود را در دفترچه مخصوص تکالیف شب انجام دهند. خانه محمدرضا در قریه مجاور قرار دارد. راه دور است و دشوار، ولی احمد خود را ملزم می‌داند که هر طور شده دفترچه را به دوستش برساند. در نهایت موفق نمی‌شود منزل دوستش را بیابد، اما همان شب تکالیف وی را در دفترچه‌اش می‌نویسد و صبح فردا، قبل از بازدید تکالیف شب توسط معلم، دفترچه را به محمدرضا می‌دهد.

● مشخصات فیلم

کارگردان: عباس کیارستمی

فیلمنامه: عباس کیارستمی

فیلمبردار: فرهاد صبا

تدوین: عباس کیارستمی

نوع فیلم: ۳۵ میلی‌متری — رنگی

مدت: ۱۰۵ دقیقه

بازیگران: بابک احمدپور؛ احمد احمدپور

تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

در یک نمای نزدیک، صفحه آخر تکالیف او را، که در واقع به خط احمد است، امضا می‌کند. در همین ماه، گلی که پیرمرد نجاره به نشانه دوستی به احمد هدیه داده است نیز به چشم می‌خورد. تصویر دفترچه، امضای معلم و گل اهدایی پیرمرد در کنار هم بسیار عاطفی و مؤثر است و پیامهای تربیتی و اخلاقی فیلم را بزبانی تثبیت می‌نماید.

اقا با وجود ابعاد سازنده و مثبت فوق، به نظر می‌رسد دو ایراد به «خانه دوست کجاست؟» وارد است، یکی در ارتباط با فیلمنامه و دیگری در زمینه پیام اخلاقی فیلم. اقا ایراد اول: در صحنه‌ای از فیلم، یک روز پیش از صحنه آخر، معلم احمد او را برای بهبود دستخطش تشویق می‌کند، ولی فردای همان روز دستخط احمد را در دفتر تکالیف محمدرضا تشخیص نمی‌دهد. ایراد دوم به نوشتن تکلیف محمدرضا توسط احمد مربوط می‌شود. این کار از جهتی فداکاری بی‌شائبه یک کودک نسبت به دوستش را نشان می‌دهد، اقا از جهت دیگر به نوعی قلب شهادت دارد که نمایش آن برای بچه‌های دیگر نمی‌تواند خالی از بدآموزی باشد. در خصوص فیلمنامه به نکته دیگری نیز می‌شود اشاره کرد و آن اینست که در کنار سوژه اصلی، مسئله تغییر ارزشهای اصیل سنتی به ارزشهای جدید غربی طرح می‌گردد و گرچه فیلمساز تلاش کرده است نوعی ارتباط بین آن دو برقرار ساخته، از پراکنندگی موضوع پرهیز نماید، اقا در این کار چندان موفق نبوده است.

فیلم از نظر تکنیکی دارای اهمیت و ارزش بسیاری است. برای نمونه، به استفاده خوب و بجا از بازیگران غیر حرفه‌ای و تبعیت دوربین، میزانسن و مونتاژ از احساسات و حرکات شخصیت اصلی فیلم باید اشاره کرد. از بهترین نمونه‌های مونتاژ در این فیلم، مونتاژ در درون نماست، بدون توسل به قطع نما. صحنه‌های فیلم با استفاده از این شیوه طبیعی و واقعی به نظر می‌آید و از دخالت کم و بیش مصنوعی و بُرش پرهیز می‌شود. زوایا و حرکات دوربین، همگام و همراه با پیشرفت سوژه فیلم انتخاب شده، در حفظ تمرکز تماشاگر مؤثر است. همچنین، استفاده از محیط طبیعی و صدا برداری سر صحنه بر صمیمیت و واقع‌نمایی فیلم افزوده است.

با بررسی اجمالی فیلم «خانه دوست کجاست؟» که نمونه‌ای جالب و ماندنی از سینمای آموزشی و تربیتی کودکان بشمار می‌رود، تا اندازه‌ای با ویژگیهای این شیوه فیلمسازی آشنا تر شدیم. در خاتمه، فهرست وار به مهمترین این ویژگیها که توجه به آن می‌تواند در پیشبرد سینمای کودکان مؤثر واقع شود اشاره می‌نماییم:

۱. کودکان میان صحنه‌های فیلم و واقعیت

چندان فاصله یا تفاوتی قائل نیستند؛ آنان خود به تصاویر واقعیت می‌بخشند و آنچه را که می‌بینند باور می‌کنند و حتی خود را در ماجرای فیلم شریک احساس می‌کنند. اگر در فیلمهای کودکان به این موضوع توجه شود، می‌توان بسیاری از آموزشهای لازم را از این طریق به آنها القا نمود.

۲. کودکان فیلمی را دوست دارند که داستان آن ساده و روشن و دارای آغاز و انجامی مشخص باشد و از لحاظ سیر پیشرفت داستان و تحول وقایع و نتیجه گیری از حوادث، نکته‌ای در آن ناتمام رها نشده باشد. سرگذشت فرمانان فیلمهای کودکان نیز باید باور کردنی و منطقی باشد.

۳. خصوصیات و صفات شخصیت‌های فیلم باید بیشتر از طریق حرکات و اعمال آنها به کودک تفهیم شود تا گفتار و کلام.

۴. تماشاگر خردسال، داستان را از جهت تسلسل و تعاقب زمانی آن دنبال می‌کند و از این نظر، تمهیدات تصویری نظیر دیزالو و شکستن زمان به شیوه بازگشت به گذشته و رجوع به آینده را بدرستی نمی‌فهمد. همین طور، وقوع دو حادثه مختلف در یک زمان و نمایش متناوب آنها برای او چندان قابل درک نیست.

۵. کودک به همراهی و همدردی با شخصیت‌های فیلم تمایل دارد و این امر روی دریافت او بشدت تأثیر می‌گذارد. از این خصوصیت می‌شود در انتقال بهتر پیام فیلم به او استفاده کرد.

۶. محور اصلی داستان در فیلمهای کودکان باید کاملاً برجسته و مشخص باشد. از این رو باید از قرار دادن جزئیات تصویری و داستانی در فیلم خودداری نمود.

۷. برداشتن تصاویر بزرگ و نزدیک در فیلمهای کودکان در انتقال معانی تصویری مؤثر است. تصاویر باید از نورو «عمق میدان» کافی برخوردار باشند و نماها طولانی و خسته کننده نشوند. تغییر پایی زمان و مکان در این گونه فیلمها مطلوب نیست.

۸. کودکان فیلمهای رنگی را ترجیح می‌دهند. ۹. بهتر است ابعاد متفاوت یک موضوع خاص در فیلمهای مختلف به صورت یک مجموعه ساخته و ارائه شود تا اهداف آموزشی و تربیتی مورد نظر به نحو مؤثرتری حاصل آید.

۱۰. فیلمهای کودکان و نوجوانان نمی‌توانند انتقاعی و گیشه‌بسنند باشد چرا که در این صورت ابعاد فرهنگی و آموزشی آنها تحت الشعاع جنبه‌های تجاری قرار خواهد گرفت.

۱۱. به طور کلی کودکان به شخصیت‌های فیلم بیشتر توجه دارند تا به جزئیات صحنه و...

۱۲. اگر داستان فیلم استحکام لازم را نداشته باشد، نقاط اوج و فرود، گره افکنی و

گره‌گشایی و پرداخت آن بدرستی انجام نشده باشد، کودک را دچار خستگی و ملال خواهد کرد.

۱۳. تأثیر فیلم بر کودکان نابهنجار و ناسازگار بیشتر است و آنها با حساسیت و دقت بیشتری فیلم را می‌بینند.

۱۴. کودکان دوست دارند برخی از مسائل فیلم را خودشان کشف کنند. از این نظر بهتر است فیلم کودکان با پیچشها و ابهاماتی مناسب درک و فهم آنها همراه باشد. البته این ابهامات یا نقاطی که کودک به کشف آنها هدایت می‌شود باید در داستان و عملکرد شخصیتها پیش بینی شود، نه در تکنیکهای تصویری.

۱۵. کودک با تمام ذهن و روحیه خویش از تماشای فیلم تأثیر می‌پذیرد. بنابراین از فیلم می‌توان برای فعال ساختن قوای مختلف ذهنی کودک نظیر تخیل، تحلیل، تداعی و تعمیم سود جست.

۱۶. در سینمای کودکان بهتر است زیباییها، پاکبها و عواطف متعالی انسانی به نمایش درآید، اقا این به معنای پنهان کردن و پوشاندن نابسامانیها، زشتیها و خشونتها نیست. در فیلم کودک تأثیر و پیام نهایی فیلم را باید مد نظر قرار داد و از القای خمودی، حیرانی و ناامیدی بر حذر بود.

۱۷. مشاهدات و یافته‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی باید در امر تولید فیلم برای کودکان و نوجوانان دخالت مستمر داشته باشد.

۱۸. کودکان از فیلمهایی که مستقیماً به اندرزگویی و حکمت‌آموزی می‌پردازند خوششان نمی‌آید. در طرح مسائل اخلاقی و تربیتی و آموزشی باید از صراحت پرهیز کرد.

۱۹. فیلم ویژه کودک باید از حرکت، رنگ، تخیل، ریتم و موسیقی، زبان بی‌آلایش و صمیمی، صراحت و سادگی در ساختار و... برخوردار باشد. این عناصر در ایجاد کشش و جاذبیت مؤثرند.

۲۰. سوژه فیلم باید با توجه به خصوصیات بومی و اقلیمی و فرهنگی و اجتماعی هر منطقه یا جامعه‌ای انتخاب شود.

۲۱. تصاویر ساده، حرکات دوربین در حد ضرورت، ریتم متعادل و مونتاژ ساده و بدون پرباه‌های تکنیکی برای کودک مناسبتر است.

۲۲. مدت زمان فیلم باید با توجه به گروه سنی کودکان و نوجوانان تعیین شود. کودکان در بهترین شرایط نمی‌توانند بیش از ۴۵ دقیقه فیلمی را با لذت و حوصله تماشا کنند.

● پاورقیها:

۱. این آمار و ارقام در محله «فیلم» شماره ۴۶ ویژه جشنواره فیلم فخر سال ۱۳۶۵ آمده است.

۲. همین تقسیم بندی در زمینه فیلمهای انیمیشن و عروسکی نیز صادق است.